

The Components of Political Legitimacy from the Perspective of the Constitution of Islamic Republic of Iran

Farhad Keramat¹
Hossein Alipour²

1. Assistant Professor, Payam Noor University, Tehran Branch, Iran (*Corresponding Author*).
fkeramat@gmail.com

2. Assistant professor, Department of public Management, institute for Management and planning
studies, Tehran, Iran. h.alipour@imps.ac.ir

Received: 11 July 2019; **Accepted:** 10 May 2020

Abstract

The purpose of present study is to investigate the components of political legitimacy in the constitution of the Islamic Republic of Iran. In this research which had historical and analytical approach, the multiple aspects and components of legitimacy in the constitution of Islamic Republic of Iran were analyzed. The results of this study conducted by descriptive analysis revealed that to consolidate the components of political legitimacy in the constitution of the Islamic Republic of Iran and to sustain the political system, in addition to the legitimizing principles relevant to the time of foundation, the current stabilizing factors should also be taken into account so that we can both consolidate the power of political system and achieve more accurate criteria for evaluation. The constitution of the Islamic Republic of Iran has considered each of 4 components of legitimacy; however, the legitimizing elements of political power are emphasized more in practice compared to the rest of elements. Paying attention to this point necessitates serious retrospective measures in the evaluation of the performance of the Islamic Republic of Iran based on legitimacy criterion and suitable research plans for future in order to consolidate and sustain legitimacy.

Keywords: Political Legitimacy, Constitution of the Islamic Republic of Iran, Political System, Political Power

مؤلفه‌های مشروعیت سیاسی از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

فرهاد کرامت^۱

حسین علی‌پور^۲

۱. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، واحد تهران، ایران (نویسنده مسئول). fkeramat@gmail.com

۲. استادیار، گروه مدیریت دولتی، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ایران.
h.alipour@imps.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مؤلفه‌های مشروعیت سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی بود. در این پژوهش با رویکرد تاریخی و تحلیلی، ابعاد و مؤلفه‌های چندگانه مشروعیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار گرفت. روش پژوهش که به شیوه توصیفی - تحلیلی بوده، نتایج نشان داد که برای تقویت مؤلفه‌های مشروعیت سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی و برای حفظ پایداری و دوام نظام سیاسی، باید علاوه بر مبانی مشروعیت‌ساز مربوط به زمان تاسیس، عوامل پایدارکننده و تداوم بخش آن را نیز مورد توجه قرار داد تا علاوه بر تحکیم قدرت نظام سیاسی، معیارهای دقیق‌تری برای ارزیابی عملکرد آن نیز به دست آورد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هر چهار عنصر سازنده مشروعیت را مورد توجه قرار داده است، اما آنچه در عمل بیشتر مورد تأکید واقع شده، عناصر حقانیت‌ساز قدرت سیاسی بوده‌اند تا دیگر عناصر. نکته‌ای که توجه به آن ضرورت بازنگری جدی در ارزیابی عملکرد جمهوری اسلامی براساس شاخص مشروعیت و طراحی برنامه‌های پژوهشی و عملیاتی مناسب برای آینده راه، در راستای حفظ و تقویت مشروعیت، ایجاب می‌کند.

واژه‌های کلیدی: مشروعیت سیاسی، قانون اساسی ایران، نظام سیاسی، قدرت سیاسی.

۱. مقدمه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سندی است که در آن می‌توان روایت غالب از سیر پیدایش انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن و بایدها و نبایدهای پویایی و پایایی آن را جستجو کرد. انقلاب، بر نظم قبلی شورید و مدعی نظم برتر و نوین‌تری شد که شکل ملموس و مکتوب آن در قالب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نمایان گشت. در فردای انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی مسئله خاستگاه مشروعیت سیاسی به یکی از مهمترین و پرحادثه‌ترین مباحث کشور تبدیل شد و گفتگوهای بسیاری را به خود اختصاص داد. دغدغه انقلابیون، تدوین چارچوبی مدون و قانونی بود برای درج منابع مشروعیت تا براساس آن نظام سیاسی پی‌ریزی گردد و روابط میان دولت و ملت سامان یابد تا بستر مناسب تحقق عینی آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب نیز فراهم شود. امام اعلام می‌کند که حکومت پیشنهادی ایشان برای آینده «جمهوری اسلامی» است که باید به آرای عمومی گذاشته شود و آن را «حکومت جمهوری، متکی به آراء عمومی و اسلامی، متکی به قانون اسلام» تعریف کرد (امام خمینی، ۱۳۶۸: ج ۵، ص ۱۴۴). وی همچنین، نظام جدید را مشروط به تدوین قانون اساسی مناسب که «متکی به قانون اسلام است»، دانست (امام خمینی، ۱۳۶۸: ج ۵، ص ۱۸۱) و تأکید کرد که «جمهوری اسلامی متکی به آرای عمومی و قوانین اسلام برقرار خواهیم کرد» (امام خمینی، ۱۳۶۸: ج ۵، ص ۲۰۴). از آنجا که مشروعیت توجیهی از حق فرمان دادن و اطاعت کردن است، لذا اکثریت حکومت‌ها در قوانین اساسی خود به این توجیه می‌پردازند که به چه دلیل عده‌ای از انسان‌ها حق فرمان‌روایی دارند و دیگران وظیفه اطاعت (فیرحی، ۱۳۸۸: ص ۲۱). در همین رابطه می‌توان سوالاتی مطرح کرد، در جمهوری اسلامی، قانون اساسی چه نوع مشروعیتی را مطرح نموده است؟ قانون اساسی چه منابع مشروعیت‌سازی را در دل خود جای داده است؟ و آیا قانون اساسی به منابع و مولفه‌های چندگانه مشروعیت توجه نموده است؟ اینها سوالاتی اساسی در رابطه با نحوه اعمال قدرت جمهوری اسلامی می‌باشد.

۲. مفهوم مشروعیت^۱

واژه «مشروعیت» در زبان فارسی به معنی قانونی بودن و مطابق قانون بودن استفاده شده است (ملکی، ۱۳۹۷: ص ۷۸). معنای لغوی آن به معنای «آنچه مطابق شرع بوده و شرع آن را روا و جایز بداند» (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۳، ص ۲۰۹۴۹) می‌باشد. ولی در معنای اصطلاحی باید توجه داشت که هرگاه سخن از مشروعیت در کارزار سیاست به میان می‌آید، نباید آن را با معنای واژه‌های هم خانواده‌اش نظیر «مشروع»، «شارع» و «متشرعین» که برگرفته از مفاهیم واژه‌هایی چون «شرع» و «دین» است، همسان پنداشت (نوروزی، ۱۳۷۹: ص ۱۳۷)، زیرا مشروعیت در عرصه سیاست به معنای این است که آیا یک سیستم سیاسی که توسط دولت یا حکومت اداره می‌شود، شایستگی اطاعت شدن توسط توده مردم را دارد یا خیر؟

در تعریف اصطلاحی مشروعیت اجماع نظری وجود ندارد و در این رابطه تعاریف متعددی از سوی اندیشمندان ارائه شده و همین مسئله باعث پیچیدگی این عرصه گردیده است. همین لایه مضاعف پیچیدگی است که موضوع مشروعیت را بسیار مغشوش و درهم و آشفته می‌سازد. عده‌ای از محققان مشروعیت را به توجیه قدرت الزام‌آور و ایجاد اقتدار سیاسی و عده‌ای دیگر آن را به توجیه یا طرد اقتدار سیاسی موجود ربط می‌دهند (The Stanford Encyclopedia of Philosophy, 2017).

جهانبینی و فلسفه فکری حاکم بر هر جامعه، بنیاد تعریف معنا و مفهوم مشروعیت در آن جامعه و نظام سیاسی را شکل می‌دهد. در دوران مدرن صورت‌بندی مفهوم مشروعیت در قالب دو جریان عمده فکری رقیب شکل گرفته است که هر یک سرچشمه متفاوتی برای مشروعیت قائل‌اند. نگرش‌های ماده‌گرا و انسان‌مدار، مشروعیت را بر پایه قرارداد و رأی و نظر اکثریت مردم و نگرش‌های دین‌مدار و خدا‌باور، پایه‌های مشروعیت را در آموزه‌های دین و در طول حاکمیت خداوند مورد تحلیل قرار می‌دهند. «در بینش اسلامی منبع و سرچشمه مشروعیت حکومت، الهی بوده و از ولایت تشریعی و یا اراده تشریعی خداوند سرچشمه می‌گیرد و اساساً هیچ‌گونه ولایتی

1. Legitimacy.

جز با انتساب به نصب و اذن الهی، مشروعیت نمی‌یابد» (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۱۶۸). در این دیدگاه رأی مردم جایگاه خود را دارد، ولی حجیت شرعی ندارد، و اعتبار رأی مردم تا وقتی است که با دین تنافی نداشته باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۱۶۸). در این نگرش پذیرش رأی و نظر مردم زمینه‌ساز تحقق عینی حکومت و فعلیت بخشیدن به آن است. از این رو مقبولیت مردمی شرط لازم و نه کافی برای تشکیل و استمرار حکومت دینی است. در مردم‌سالاری غیر دینی، مقبولیت و مشروعیت عین هم هستند و بنابراین، بین آنها جدایی و انفکاک نیست. چون مبنای هر دو (مشروعیت و مقبولیت) یک چیز و آن اندیشه انسان‌مدار است. امام خمینی مشروعیت حکومت را منوط به حاکمیت خدا و قانون‌گذاری او دانسته و معتقدند: «لکن تولى امور مسلمین و تشکیل حکومت، بستگی به آرای اکثریت مسلمین دارد، که در قانون اساسی هم از آن یاد شده است و در صدر اسلام به بیعت با ولی مسلمین تعبیر می‌شده است» (امام خمینی، ۱۳۶۸: ج ۲۰، ص ۴۵۹). آیت الله خامنه‌ای، با طرح نظریه مردم‌سالاری دینی معتقدند: «در اسلام آنچه ما به عنوان حاکمیت اسلامی شناخته‌ایم و امروز هم بنای کلی این جامعه بر آن قرار دارد، مردم‌سالاری دینی است که با دموکراسی‌های رایج دنیا در بنیاد اختلاف دارد. ریشه‌ی مشروعیتِ رأی مردم در دموکراسی‌های رایج دنیا اساساً با مشروعیتِ رأی مردم در نظام مردم‌سالاری اسلامی که ما به دنبال آن هستیم و آن را حکومت اسلامی و حاکمیت اسلام به حساب می‌آوریم، متفاوت است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۲/۱۳). به نظر ایشان «در اسلام مردم یک رکن مشروعیت‌اند، نه همه‌ی پایه‌ی مشروعیت. نظام سیاسی در اسلام علاوه بر رأی و خواست مردم، بر پایه‌ی اساسی دیگری هم که تقوا و عدالت نامیده می‌شود، استوار است. اگر کسی که برای حکومت انتخاب می‌شود، از تقوا و عدالت برخوردار نبود، همه‌ی مردم هم که بر او اتفاق کنند، از نظر اسلام این حکومت، حکومت نامشروعی است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۹/۲۶). رهبر انقلاب با تأکید بر نقش عنصر کارآمدی در تداوم مشروعیت حکومت اسلامی اظهار می‌دارند: «هرجا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت. اینکه ما در قانون اساسی برای رهبر، رئیس‌جمهور، نماینده‌ی مجلس و برای وزیر شرایطی قائل شده‌ایم و با این شرایط گفته‌ایم این وظیفه را می‌تواند انجام بدهد، این شرایط، ملاک

مشروعیت بر عهده گرفتن این وظایف و اختیارات و قدرتی است که قانون و ملت به ما عطاء می‌کند، یعنی این حکم ولایت، با همه‌ی شعب و شاخه‌هایی که از آن منشعب است، رفته روی این عناوین، نه روی اشخاص. تا وقتی که این عناوین، محفوظ و موجودند، این مشروعیت وجود دارد. وقتی این عناوین زایل شدند، چه از شخص رهبری و چه از بقیه‌ی مسئولان در بخش‌های مختلف، آن مشروعیت هم زایل خواهد شد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۶/۳۱).

البته باید این نکته را مد نظر قرار داد که در بیشتر مباحث مربوط به مشروعیت از منظر اسلام، سؤال مشروعیت حکومت به مشروعیت حاکم تقلیل پیدا می‌کند و اینگونه طرح مسئله سبب شده است که این جریان فکری در پذیرش مردم به عنوان یکی از شروط مشروعیت دچار چالش باشند (خرمشاد و امینی، ۱۳۷۹: ص ۱۱۳). کاستی‌ای که به نظر می‌رسد با طرح مفهوم مردم‌سالاری دینی برطرف شده است.

۳. مولفه‌های مشروعیت

مشروعیت دارای عناصر متعددی است. بعضی از عناصر در تأسیس و استقرار قدرت و برخی در مرحله حفظ و تداوم آن حضور و بروز دارند، در این نوشتار مشروعیت دارای چهار مولفه حقانیت، قانونیت، مقبولیت، و کارآمدی است که دو مولفه اول در تأسیس و استقرار و دو مولفه دیگر در حفظ و تداوم بخشیدن به مشروعیت نقش اساسی ایفاء می‌کنند. در واقع تأسیس، استقرار، حفظ و تداوم مشروعیت یک نظام سیاسی وابسته به برآیند رابطه این عناصر در طول زمان است. قدرت برای این که توجیه شود، بایستی از یک منبع معتبر سرچشمه بگیرد. این منبع معتبر مشخص می‌کند که چه کسانی از حق حکومت کردن بر دیگران برخوردارند و آنانی که به قدرت می‌رسند چه شرایطی را باید دارا باشند (بیتنام، ۱۳۸۲: ص ۳۳). در مورد این مولفه باید بر روی حق متمرکز شد. حق در هر جامعه‌ای می‌تواند منشاءهای مختلفی داشته باشد، ولی در همه جوامع انسانی ارزش‌های آن جامعه یکی از منابع مهم «حق داشتن» است. در رابطه با بحث مشروعیت،

این ارزش‌ها و اعتقادات یک جامعه است که در وهله اول مشخص می‌کند حکومت کردن از آن چه کسی است و چه اعتقاداتی در این رابطه ساری و جاری می‌باشد (ملکی، ۱۳۹۷: ص ۸۰). و بر آن از همین دیدگاه به مشروعیت می‌نگرد و معتقد است مشروعیت از باور مردم ریشه می‌گیرد، ولی باید توجه نمود که برخی از جنبه‌های مشروعیت اصلاً به باور مربوط نمی‌شود (بیتنام، ۱۳۸۲: ص ۲۶). تعریف وبر از مشروعیت باعث شده که عناصری از مشروعیت که واقعاً ارتباطی به باور ندارند، نادیده گرفته شود (بیتنام، ۱۳۸۲: ص ۲۷). لذا در رابطه با مشروعیت نباید صرفاً به یک مولفه تکیه نمود. چون این تنها یک عنصر از مشروعیت می‌باشد که در تأسیس حکومت اهمیت بسزایی دارد. حکومت‌ها بعد از تأسیس تلاش می‌کنند برای استقرار به صورت نهادی پایدار، قدرت خود را حقوقی کنند و دست به تدوین قانون اساسی می‌زنند. نظام‌های سیاسی در فرایند قانونی کردن قدرت، ضمن نهادسازی و استحکام پایه‌های قدرت خود چاره‌ای ندارد، جز آنکه محدودیت‌هایی را که ناشی از طبع نظم‌آفرین حقوق است را نیز تحمل کنند (قاضی، ۱۳۸۴: ص ۲۴). در این مولفه، کسب و اعمال قدرت باید متعلق و موافق با قانون مستقر باشد تا توجیه‌پذیر گردد. از این بعد قدرت در جایی نامشروع است که یا با قانون‌شکنی بدست آید، یا به شیوه‌ای اعمال شود که خلاف یا ناقض قوانین باشد. در جایی که به طور مستمر قواعد زیرپا گذاشته می‌شوند، می‌توان از یک وضعیت عدم مشروعیت مزمن سخن به میان آورد. البته باید مد نظر داشته باشیم این مولفه نیز به مانند مولفه حقانیت جزئی از مشروعیت است و به تنهایی نمی‌تواند به استمرار مشروعیت بیانجامد، هرچند در استقرار نهادهای قدرت نقش اساسی دارد، چون قانونی بودن با مشروعیت داشتن، همیشه همراه و همگام نبوده و براساس قانون عمل کردن فقط یک جزء مشروعیت است و نه همه آن.

در کنار مولفه‌های حقانیت و قانونیت باید از دو مولفه مقبولیت و کارآمدی غافل نشد. مقبولیت متضمن رضایت آشکار و صریح مردم نسبت به رابطه قدرت معینی است که درگیر در آن هستند.

این مولفه پس از ورود اصل حاکمیت ملی به مباحث سیاسی اهمیت و اعتبار پیدا نمود و قبل از آن به دلیل خارج بودن مردم از صحنه سیاسی خیلی مطرح نبوده است. ولی امروزه نزد اکثر نویسندگان معاصر، اگر حاکمیتی مورد پذیرش و توافق شهروندان واقع شود، مشروع خواهد بود و در غیر این صورت نامشروع محسوب می‌شود.

در کنار مقبولیت، مولفه دیگری هم باید مورد توجه قرار گیرد و آن کارآمدی و کارایی نظام‌های سیاسی است که باعث بازتولید مقبولیت و به تبع آن مشروعیت می‌شود. این مفهوم بیانگر قابلیت و توانایی نظام سیاسی در رسیدن به اهداف تعیین شده و حل مشکلات جامعه در حوزه‌های مختلف است. عده‌ای معتقدند که مشروعیت سیاسی فرایندی برای نشان دادن چگونگی پاسخ‌گویی دولت‌مردان به تقاضاهای مردم است. (Kurian, 2011: P. 946). حکومت‌ها برای تداوم مشروعیت خود باید به نیازها و منافع عمومی جامعه توجه نموده و در این رابطه تلاش نمایند (بیتهم، ۱۳۸۲: ص ۱۷۰-۱۶۹). عملکرد حکومت به مشروعیت حکومت کمک مهمی می‌کند و یک عنصر لازم مشروعیت آن را تشکیل می‌دهد. (Rothschild, 1997: P. 488). امروزه این مولفه نیز در تبیین مشروعیت بسیار اساسی شده است، به نحوی که از دید بسیاری از متفکران، نمی‌توان مشروعیت و کارایی نظام قدرت را از هم تفکیک کرد (بیتهم، ۱۳۸۲: ص ۱۴۸). از این جهت است که امروزه مشروعیت به کارکردی بودن دستگاه‌های سیاسی و رضایت اکثریت تکیه دارد (ملکی، ۱۳۹۷: ص ۷۹). به نحوی که برخی رژیم‌ها برای جلب رضایت مردم از طریق تدارک مایحتاج اولیه نظیر خوراک، مسکن، آموزش، بهداشت و برخی کمک‌های دیگر مدعی‌اند که مشروعیت دارند (کامل السعید، ۱۳۸۳: ص ۹۹).

با توجه به مطالب گفته شده می‌توان اذعان نمود، کلید درک مفهوم مشروعیت در شناسایی خصلت چند بعدی آن است، به نحوی که حتی در کشورهای اسلامی، دولت‌ها بر ترکیبی از فاکتورها برای بازتولید مداوم مشروعیت‌شان تکیه می‌کنند (Akbarzadeh, 2003: P. 169). مشروعیت دربرگیرنده چهار عنصر مشخص است که هر یک نسبت به دیگری به لحاظ کیفی متفاوتند، عنصر اول مربوط به باورها و ارزش‌های یک جامعه است، یعنی برآمده از اعتقادات یک جامعه می‌باشد.

این مولفه مشخص می‌کند حکومت کردن حق چه کسی است و چه کسی مدیریت جامعه را باید بر عهده بگیرد. مولفه دوم، عنصر قانونیت است که مطرح می‌کند آیا قدرت به طور قانونی کسب و اعمال می‌شود و یا کسب و اعمال قدرت تا چه اندازه‌ای با قواعد و مقررات مستقر سازگار و منطبق است. مولفه سوم که در رابطه با حفظ مشروعیت است، به رضایتمندی مردم آن جامعه گره خورده است، به این نحو که آیا نهادهای سیاسی موجود مورد قبول اکثریت جامعه می‌باشند. در نهایت اینکه چه اقداماتی از سوی فرمان‌روایان برای برآورده شدن نیازهای مردم صورت گرفته است و آیا حکومت وظایفی در این رابطه دارد و آیا کارویژه‌های خود را به نحو احسن انجام می‌دهد که ما در این مولفه با بحث کارآمدی نظام حکومتی سروکار داریم. لازم به ذکر است که این عناصر قابل جایگزینی با یکدیگر نیستند، چرا که همگی به مشروعیت کمک می‌کنند. این عناصر به طور پیاپی قدرت را مشروع کرده و به هر میزان که وجود داشته باشند، قدرت نیز مشروع و به هر اندازه‌ای که وجود نداشته باشند، قدرت نیز مشروعیت خود را از دست خواهد داد. به همین دلیل، قدرت می‌تواند به طرق مختلف غیر مشروع شود (بیتام، ۱۳۸۲: ص ۱۳۶).

۴. قانون اساسی

امروزه به ندرت می‌توان از کشوری فاقد قانون اساسی یاد کرد (ایزدهی، ۱۳۹۵: ص ۱۰۶). قانون اساسی در جایگاه اتوریت^۱ عالی و مرجعیت نهایی نسبت به همه قوانین قرار دارد و یک پیمان‌نامه همگانی و میثاقی عمومی بوده که به تأیید ملت رسیده است و در آن حقوق و حدود قدرت و مسئولیت اختیارات و تکالیف متقابل دولت و ملت، ملت و ملت، قوا و نهادهای داخلی نظام مشخص شده است. از همه اینها گذشته، قانون اساسی سرچشمه مشروعیت قدرت را تبیین می‌کند (لطفی، ۱۳۸۹: ص ۱۵). در همه قوانین اساسی، مشروعیت سیاسی مسئله‌ای اساسی است. اینکه منابع مشروعیت سیاسی چیست؟ و راه‌های کسب آنها به چه ترتیب است؟ از مواردی است

1. Authority.

که قانون اساسی معمولاً می‌کوشد آن را توضیح داده و چارچوب‌های آن را تعریف کند. قوانین اساسی، گذشته از اینکه از اقدامات خودگزیده حاکمان جلوگیری می‌کنند، قدرت را محدود و قواعد اصلی و بنیادی قدرت دولت را تنظیم و شیوه‌های اعمال قدرت و منابع چگونگی کسب، حفظ و تداوم قدرت را معین می‌کند؛ لذا یکی از مهمترین منابع تشخیص عناصر مشروعیت‌بخش هر نظام سیاسی، قوانین اساسی کشورها است.

بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که در بحث مشروعیت ترکیبی از چهار منبع مشروعیت مورد توجه قرار گرفته است. در واقع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مشروعیت سیاسی را به شکل چند جانبه تعریف کرده و کوشیده است بدون اتکاء محض به یک عنصر در تعیین مشروعیت سیاسی، همه عناصر و مولفه‌های مشروعیت را در کنار هم آورده و بر سازگاری و رابطه مکملی میان آنها صحه بگذارد.

۵. مولفه‌های مشروعیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

خبرگان قانون اساسی کوشیده‌اند تا منابع و عناصر مشروعیت را در قانون اساسی جای دهند و در نتیجه همه مولفه‌های مطرح شده در رابطه با مشروعیت، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گنجانده شده است.

۵-۱. مولفه حقانیت^۱ در قانون اساسی

در جامعه دینی این منبع نسبت به منابع دیگر مشروعیت، برجستگی خاصی دارد و می‌توان گفت که بر سایر عناصر و مولفه‌های مشروعیت، برتری و اولویت پیدا می‌کند. امامت از منظر شیعه ریاست عامه در امور دینی و دنیوی دارد و منصبی است که حق حکومت کردن خود را از نصب الهی می‌گیرد. در قانون اساسی اصول متنوعی را می‌توان پیدا کرد که به این مولفه اشاره داشته است. در واقع براساس اصل دوم قانون اساسی، اصول اعتقادی دین اسلام و مذهب تشیع که در

1. -Rightfulness.

عنصر حقانیت جای دارد، گنجانده شده است که از منابع اصلی و عنصر مرکزی مشروعیت در جمهوری اسلامی است. تأسیس نظام جمهوری اسلامی بر پایه اعتقادات دیرینه مردم صورت گرفته، ادامه حیات آن نیز با همان مبانی اعتقادی میسر خواهد بود (وکیل، ۱۳۹۱: ص ۵۱). در اصل چهارم در نظام جمهوری اسلامی ایران، اسلام به عنوان یک دین رسمی بر اداره امور کشور احاطه کامل دارد و کلیه قوانین و مقررات بایستی براساس موازین اسلامی باشد. این اصل قانون اساسی، تکلیف همه قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها را از نظر ضرورت عدم مغایرت با موازین اسلامی به صراحت روشن کرده است. اصل مذکور نه تنها بر پیوند دین با امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جز آنها صحنه می‌گذارد، بلکه رابطه میان دین و ساحت‌های مختلف زندگی انسان را رابطه‌ای سلسله مراتبی و عمودی می‌داند. در اصل پنجم با توجه به این عنصر آمده است: «در زمان غیبت، ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است» و بر همین اساس جمهوری اسلامی ایران، یک نظام سیاسی حقیقتاً منحصر به فرد را براساس حاکمیت فقیهی توانا ایجاد کرده است (میلانی، ۱۳۸۱: ص ۲۸۵).

با توجه به رأی قاطع مردم به قانون اساسی و اصول مطرح شده در آن باید اذعان کرد که نظام جمهوری اسلامی ایران نظامی مبتنی بر اصول اعتقادی اسلام است. از دل این اعتقادات و ارزش‌های اسلامی، عنصر حقانیت، به معنای ابتدای حکومت بر ارزش‌های عمومی و شریعت و در تداوم اصل امامت در شیعه دوازده امامی، به عنوان نخستین عنصر مشروعیت نظام سیاسی تأمین می‌شود، ولی حکومت‌ها نمی‌توانند صرفاً به این پایه تکیه زده و از مولفه‌های دیگر مشروعیت غافل شوند.

۵-۲. مولفه قانونیت^۱ در قانون اساسی

این مولفه نشان می‌دهد که واگذاری قدرت به شخص یا گروه براساس قانون صورت پذیرفته و اعمال سلطه آنها بر مبنای قانون استوار است. قانون چگونگی تصدی حاکمان و نحوه عمل آنان

1. Lawfulness.

را معین می‌کند. نتیجه چنین نظری این است که اطاعت‌کنندگان نه از دارنده قدرت، بلکه از قانونی که جوهر نظر همه است، پیروی می‌کنند. قوانین اساسی با تبدیل حکومت به فعالیتی قاعده‌مند، مشروعیت را به رژیم اعطاء می‌کنند (هیوود، ۱۳۸۹: ص ۲۱۲). در همین رابطه است که موریس دوورژه^۱ معتقد است قانون به قدرت حکومت مشروعیت می‌بخشد (هاشمی، ۱۳۸۹: ص ۲۵۹). بر همین اساس عده‌ای مشروعیت را به عنوان عملکرد مطابق قانون فرمان‌روایان که با قوانین موضوعه مغایرتی نداشته باشد، تعریف می‌کنند. در همین رابطه حکومت‌ها سعی می‌کنند حتی اعمال و رفتار غیر قانونی خود را هم قانونی جلوه دهند. چون قانون در تداوم و ثبات ساختارهای حکومت‌ها و استمرار آنها نقش عمده‌ای ایفا می‌کند (پوچی، ۱۳۸۸: ص ۱۲۸). اگر حاکمان بر طبق قانون عمل نکنند، مبنای قانونی مشروعیت خود را از دست می‌دهند. آندره هیوود^۲ در این رابطه بیان می‌کند که علت عدم مشروعیت رژیم اتحاد جماهیر شوروی بدان سبب بود که بسیاری از مقررات قانون اساسی، بویژه آنها که بر حقوق فردی تصریح می‌کردند، هرگز رعایت نشدند (هیوود، ۱۳۸۹: ص ۲۱۳).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی علاوه بر ساختارمندی نظام سیاسی، به محدودیت‌هایی که قدرت در اعمال و رفتار خود باید آنها را رعایت کند نیز اشاره شده است. در اصل بیست و دوم آمده است: هیچ فرد یا حکومتی حق حکمرانی بی‌قید و شرط را ندارد و حکومت‌ها باید براساس قوانین مدون به حکمرانی بپردازند. اگر دولتی این مسئله را رعایت نکند و مکرراً ناقض قانون انگاشته شود، مولفه قانونیت که اعمال حاکمیت باید براساس آن باشد را به مرور از دست خواهد داد. اصل دیگری در همین رابطه اصل بیست و پنجم می‌باشد، این اصل نیز به مانند اصل قبلی محدودیت‌هایی را برای دولت‌ها مقرر می‌دارد و دولت‌ها را از یک‌سری اعمال در رابطه با حقوق شهروندان منع می‌کند.

1. Maurice Duverger.

2. Andrew Heywood.

حکومت‌ها باید براساس قانون مدون با شهروندان برخورد کنند و حریم قانون را محترم شمارند. در اصل سی و ششم هیچ عملی را نمی‌توان جرم دانست و برای آن مجازات تعیین کرد، مگر آنکه پیش‌تر قانون، آن عمل را جرم و برای آن مجازات تعیین نموده باشد (مجیدی، ۱۳۸۹: ص ۹۲). در این رابطه اصل یکصد و شصت و ششم بیان می‌کند: «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است» و در تکمیل همین اصل است که اصل ۱۶۷ قاضی را موظف می‌کند که حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد. قانون اساسی علاوه بر این مسائل به دارایی افراد جامعه نیز اهمیت داده و در اصل ۴۷ بیان نموده که مالکیت اشخاص محترم است چون مالکیت از حقوق مسلمی است که اسلام برای همه افراد انسانی بدون هیچ‌گونه تبعیضی در نظر گرفته و حتی حرمت مال مومن را همچون خونس دانسته است (مجیدی، ۱۳۸۹: ص ۸۶). قانون اساسی به این اکتفاء نکرده و در مورد اموال عمومی و نحوه هزینه آن هم قوانینی را مقرر نموده است. اگر دولت‌ها به این اصول پایبندی خود را از دست بدهند، مؤلفه قانونیت، که از عناصر مشروعیت است را از دست خواهند داد. ولی با همه اینها، دوباره باید تأکید کرد که هم‌نوایی با قواعد تدوین شده شرط لازم مشروعیت می‌باشد، ولی شرط کافی نیست.

۳-۵. مؤلفه مقبولیت^۱ در قانون اساسی

پس از تأسیس و استقرار نظام حکومتی، حکومت باید به تداوم حاکمیت خود توجه نماید که مؤلفه مقبولیت این مهم را تأمین می‌کند. حکومت‌هایی که سنگ بنای ظهور و تکوین خود را غلبه و استیلاء قرار داده‌اند، در ادامه حیات خود، با مشکل پذیرش از سوی مردم تحت حکومت خود مواجه می‌شوند. اگر بخواهیم مقبولیت را مورد بررسی قرار دهیم، باید به شاخص‌هایی چون، مشارکت، رضایت، خواست مردم در مراحل تداوم نظام و مراحل بعد از آن نظر داشته باشیم. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در عین حال که نظام حکومت را مبتنی بر مبانی دینی بیان

1. -acceptance.

کرده، بر نقش مردم در ایجاد و ادامه حکومت و ارزش‌گذاری رأی مردم در اداره امور مملکت نیز تصریح و تأکید کرده است و در اصول مختلف به این موضوع پرداخته است (لطفی، ۱۳۸۹: ص ۱۷۶). مردم در نظریه ولایت فقیه از جایگاه قابل قبولی در عرصه مشارکت برخوردار بوده‌اند و ظرفیت‌های مناسبی برای جلب و توسعه مشارکت سیاسی آنها در نظر گرفته شده است (ایزدهی، ۱۳۹۵: ص ۱۰۱).

در مقدمه قانون اساسی آورده شده است که: «قانون اساسی تضمین‌گر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی، و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند». در اصل اول به این مولفه از مشروعیت برمی‌خوریم که بیان می‌دارد: «حکومت جمهوری اسلامی با رأی مثبت ملت ایران پایه‌گذاری شده است». در اصل ششم قانون اساسی نحوه این دخالت مردم در سرنوشت خویش مطرح گردیده است که انتخابات در موارد مختلف می‌باشد (ایزدهی، ۱۳۹۵: ص ۱۰۹). این مولفه به قدری اهمیت دارد که در اصل ۱۷۷، محتوای اصل «اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی» تغییرناپذیر قلمداد شده است. از اصول دیگر قانون اساسی در این زمینه اصل ۱۵۶ است که بیان می‌کند «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرّقی که در اصول بعد می‌آید، اعمال می‌کند». در قانون اساسی، با آوردن این اصل تلاش شده تا با نشان دادن اهمیت حاکمیت ملی، مانع استبداد فردی و گروهی شود. حق تسلط بر سرنوشت خویشتن حقی طبیعی است که خدای متعال آن را همانند دیگر حقوق طبیعی، به همه انسان‌ها عطاء فرموده و آنها را به مراقبت از این حق فراخوانده است (طالبی، ۱۳۹۷: ص ۱۰۴).

جمهوری اسلامی از همین بابت دائماً خود را در معرض رأی و انتخاب مردم که حاکی از اعتقاد آن به این مولفه از مشروعیت است، می‌گذارد، چون فعلیت یافتن حکومت به مقبولیت مردمی نیز نیازمند است (ایزدهی، ۱۳۹۵: ص ۱۱۳). ولی به این مولفه هم اکتفاء نکرده، بلکه از این فراتر رفته و به عنصر دیگری نیز اشاره داشته است که می‌تواند در افزایش این مولفه موثر باشند و

آن عنصر کارآمدی است.

۵-۴. مؤلفه کارآمدی^۱ در قانون اساسی

از دیرباز توجه مشروعیت هر نظام سیاسی در سایه کارآمدی آن، یکی از مهمترین دغدغه‌های مدیران نظام‌های سیاسی و حکومتی بوده است (گردشتی، ۱۳۹۵: ص ۱۳۱). اهمیت این بحث در این است که کارآمدی ارتباط مستقیم با مقبولیت و رضایت فرمان‌برداران و به تبع آن بر مشروعیت نظام حکومتی دارد. خبرگان قانون اساسی نیز معتقد بودند که نظام اسلامی باید یک حکومت کارآمد باشد تا الگویی برای دیگر کشورها شود و در همین رابطه در اصول مختلف قانون اساسی شاخصه‌هایی برای کارآمدی مطرح گردید و اهدافی را برای دولت در همین رابطه ترسیم شده است.

۵-۴-۱. کارآمدی در حوزه‌های آموزشی و فرهنگی

در بند سوم اصل سوم و اصل سی‌ام قانون اساسی، دولت مکلف به ایجاد زمینه مناسب برای «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی» گردیده است. تشویق احاد ملت به تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان از دیگر وظایف دولت عنوان شده است.

مهمترین ویژگی مورد تأکید در این حوزه در قانون اساسی «نیاز به حمایت» از حوزه‌های آموزشی و فرهنگی است. مهمترین کارکردهای دولت در این حوزه، که در قانون اساسی به آنها اشاره شده، تربیت عمومی و اجتماعی کردن، تطهیر فضای عمومی و اصلاح جامعه، ایجاد هویت و انسجام ملی و مبارزه با ورود فرهنگ‌های بیگانه، استقلال ملی، حوزه عمومی، روابط فردی، ارزش‌ها و هویت هستند.

1. -Efficiency.

۵-۴-۲. کارآمدی در حوزه‌های اقتصادی

موضوع اقتصاد و پیشرفت اقتصادی جامعه از مهمترین دغدغه‌های حاکمان و مردم بعد از انقلاب بوده است. چون در جهان امروز کارآمد بودن عمدتاً به مفهوم توسعه اقتصادی است (قوام، ۱۳۷۹: ص ۵۷). اقتصاد ایران یک اقتصاد دولتی است و اندیشه دولتی کردن اقتصاد در مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی و به خصوص در اصول مختلف به وضوح دیده می‌شود. مبنای این نوع تفکر بر این اساس استوار بود که دولت برای پیشبرد اهداف توسعه‌ای از همه لایق‌تر است و لذا برای توسعه اقتصادی، اقتصاد باید دولت محور باشد.

در بند ششم اصل سوم، محور هرگونه «انحصارطلبی» بر عهده دولت گذاشته شده است. در بند نه اصل مذکور یکی دیگر از وظایف دولت در همین رابطه «رفع تبعیض ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمامی زمینه‌های مادی و معنوی» مد نظر قرار گرفته است. در بند دوازده «پیریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» جزء برنامه‌هایی است که دولت باید در راستای آن تلاش نماید. در بند سیزده به «تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها» اشاره شده است. در اصل بیست و هشت دولت موظف گردیده تا «برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل» را فراهم کند و در کنار همین اصل به اصل بیست و نه باید اشاره نمود که بیان می‌کند: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند». در اصل سی و یکم «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، به خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند» و در اصل چهل و سوم نیز

راهکارها و ضوابطی برای این اهداف مد نظر قرار گرفته است.

با توجه به مطالب بالا کارایی اقتصادی در قانون اساسی بر تأمین نیازهای اساسی متمرکز گردیده است. تأمین این نیازها بر عهده دولت جمهوری اسلامی گذاشته شده است. اما هر دولت متناسب با برنامه‌های خود می‌تواند روش‌های اجرایی متفاوتی برای انجام این وظیفه انتخاب کند. از منظر قانون اساسی لازم است دولت در برآوردن نیازهای اساسی شامل مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت و آموزش، امکانات لازم برای تشکیل خانواده، کار مناسب بیمه و ورزش از کارایی برخوردار باشد (پيله فروش، ۱۳۹۴: ص ۹۳).

۵-۳. کارآمدی در حوزه قضایی

یکی از مولفه‌هایی که برای کارایی و اثربخشی حکمرانی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، دستگاه قضایی یک کشور می‌باشد. لازم به تأکید است که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، موضوع مبارزه با بی‌عدالتی و استقرار قسط و عدل در جامعه همواره سرلوحه اهداف انقلاب قرار داشته است. احقاق حق و تضمین آزادی‌های مشروع و دینی و جلوگیری از رشد فساد در عرصه‌های مختلف حقوق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مستلزم سازوکاری توانمند و عاری از فساد و دست‌اندازی افراد و گروه‌های ذی‌نفوذ است، زیرا این افراد منابع خود را در یک محیط غیر شفاف در پیچ و خم‌های بروکراتیک ناسالم جستجو می‌کنند. از طرفی دستگاه قضایی که عامل مبارزه با این فساد است، خود باید از ظرفیت و سلامت لازم در این زمینه برخوردار بوده تا بتواند کارآمد باشد.

در بند ۱۴ اصل سوم عنوان شده: «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون»، جزء وظایف حکومت است. در همین رابطه اصل یکصد و پنجاه و ششم بیان می‌کند: «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایفی در این رابطه گردیده است. اعتلای کارآمدی قوه قضائیه به صورت طبیعی و نظام‌مند، تأثیرات شگرفی را در سایر قوای کشور از خود بر جای می‌نهد. دیگر اینکه با شدت گرفتن احساس عدالت بین آحاد مردم، که از

درجه رضایت‌مندی آنان نسبت به عملکرد مطلوب قوه قضائیه نشأت می‌گیرد، نوعی تلقی مثبت به عملکرد کل نظام جمهوری اسلامی ایران در اذهان عمومی شکل می‌گیرد و به تبع آن موجب ارتقای سطح اعتماد عمومی جامعه می‌شود و به همین ترتیب در روندی معکوس، ضعیف بودن درجه کارآمدی در قوه قضائیه پیامدهای نامطلوبی را هم بر قوه قضائیه و هم برای کل نظام جمهوری اسلامی ایران در پی خواهد داشت (زین‌الدینی، ۱۳۹۵: ص ۱۶۸).

۵. نتیجه‌گیری

مشروعیت دارای ابعاد و اضلاع مختلف و به هم پیوسته‌ای است که می‌تواند در دو مرحله مورد بحث قرار گیرد. یکی در مرحله استقرار و تأسیس نظام سیاسی و مرحله دیگر در تداوم و استمرار نظام سیاسی. دو دیدگاه اصلی رقیب در پرداخت مفهوم مشروعیت در دنیای مدرن شکل گرفته‌اند که در شکل اولیه خود، فضای بین آنها تخصصی و ناهم‌ساز به نظر می‌رسد. طرح مفهوم مردم‌سالاری دینی در نظام جمهوری اسلامی ایران، راه برون‌شدی از دوگانگی و تقابل میان این دو دیدگاه است که با تفکیک عناصر مشروعیت‌بخش مربوط به مراحل پیش از تحقق نظام حکومتی و عناصر مشروعیت‌بخش مربوط به پس از شکل‌گیری آن، یعنی مرحله تحقق عینی و استمرار حکومت دینی، به تجمیع و ترکیب این عناصر در یک طرح مفهومی جدید پرداخته است. بر این اساس، مشروعیت دارای چهار مولفه حقانیت، مقبولیت، قانونیت و کارآمدی است که دو مفهوم نخست به عنوان شرایط پیش از تأسیس حکومت در شکل‌گیری و تأسیس نظام و دو مولفه دوم در مرحله حفظ و تداوم نظام سیاسی مورد تأکید قرار می‌گیرند. حفظ مشروعیت یک نظام سیاسی در واقع بستگی به برآیند رابطه این عناصر در طول زمان دارد، به نحوی که برخورداری از حقانیت و قانونیت یک نظام سیاسی بیانگر چگونگی بالفعل شدن نظام سیاسی است و بیشتر در این مرحله مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرد. ولی بعد از استقرار و شکل‌گیری نظام سیاسی، حکومت‌ها برای حفظ و تداوم، نیاز به عنصر مقبولیت و کارآمدی در جهت اعمال حاکمیت و تقویت پایه‌های قدرت خود دارند، چون در طول زمان نظام سیاسی باید بتواند کارویژه‌های محوله را انجام دهد و در طول زمان ثابت کند که می‌تواند از حقانیت خود در استفاده از قدرت، بهترین

بهره‌برداری را برای رفع و رجوع مسائل کشور انجام دهد. البته باید توجه داشت که این تاکید، به معنای کنار نهادن یا غفلت از سایر اجزای سازنده مشروعیت نیست و در هر مرحله از عمر یک نظام سیاسی، همه این عناصر با هم می‌توانند مشروعیت یک نظام سیاسی را تأمین و تداوم حیات آن را تضمین کنند. با توجه به مبانی دینی و الهی قدرت سیاسی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، یکی از مشکلات همواره قابل مشاهده در مباحثات مربوط به مشروعیت در این نظام سیاسی آن است که عموماً بر مولفه‌های گروه اول تاکید شده و تلاش می‌شود با توسل به آنها ناکارآمدی‌های موجود و پیامدهای مربوطه توجیه شوند. این مساله می‌تواند حفظ و تداوم قدرت سیاسی را با مخاطرات جدی روبرو کند.

پژوهش حاضر در واقع تذکری است توأمان به دولت‌مردان، تا از این زاویه به عملکرد خود بنگرند و به محققان علاقمند به این موضوعات، تا در طراحی پژوهش‌هایشان، صرفاً به مبانی حقانیت نظام سیاسی که با تاکید بر مبانی دینی و ارزشی انجام می‌شود، اکتفاء نکنند و علاوه بر آنها، مولفه‌های کارآمدی و به تبع آن رضایت عمومی را نیز که در طول زمان می‌تواند به حفظ و تداوم نظام سیاسی و در مجموع تأمین مشروعیت آن کمک کند، توجه کافی نمایند. نکته شایسته توجه، همانطور که در پژوهش نیز مشاهده شد، این است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هر چهار عنصر سازنده مشروعیت را مورد توجه قرار داده است، اما آنچه در عمل بیشتر مورد تاکید واقع شده، عناصر حقانیت‌ساز قدرت سیاسی بوده‌اند تا دیگر عناصر. نکته‌ای که توجه به آن ضرورت بازنگری جدی در ارزیابی عملکرد جمهوری اسلامی براساس شاخص مشروعیت و طراحی برنامه‌های پژوهشی و عملیاتی مناسب برای آینده را، در راستای حفظ و تقویت مشروعیت، ایجاب می‌کند.

منابع

۱. ایزدهی، سید سجاد (۱۳۹۵). ظرفیت‌های مشارکت سیاسی در قرائت از نظریه ولایت فقیه. *سیاست متعالیه*، سال چهارم، شماره ۱۴: ص ۹۷-۱۱۶
۲. بیت‌هام، دیوید (۱۳۸۲). *مشروع‌سازی قدرت*. ترجمه محمد عابدی اردکانی. یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
۳. پوجی، جیان فرانکو (۱۳۸۸). *نظریه‌های تشکیل دولت: راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی*. ویراسته کیت نش و آلن اسکات؛ ترجمه محمدعلی قاسمی و قدیر نصری. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ج ۱.
۴. پیله‌فروش، میثم (۱۳۹۴). *الگوی توسعه اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. مجلس و راهبرد، سال بیستم و دوم، شماره ۸۲: ص ۵-۳۳.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۱/۱۲/۱۳). *بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری*. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8869>
۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۲/۹/۲۶). *بیانات در دیدار استادان و دانشجویان قزوین*. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=5703>
۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۳/۶/۳۱). *بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری*. قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3250>
۸. خرمشاد، محمدباقر؛ امینی، پرویز (۱۳۷۹). *مسئله مشروعیت در نظریه مردم‌سالاری دینی*. آیت‌الله خامنه‌ای. دولت پژوهی، سال چهارم، شماره ۵۱: ص ۱۱۳.
۹. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۸). *صحیفه امام*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۵، ۲۰.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ج ۱۳.
۱۱. زین‌الدینی، مجید (۱۳۹۵). *الگوی کارآمدی در قوه قضائیه براساس رهنمودهای امام خمینی و امام خامنه‌ای*. مدیریت اسلامی، سال ۲۴، شماره ۲: ص ۱۶۷-۱۹۰.
۱۲. طالبی، محمدحسین (۱۳۹۷). *نقش مردم در نظام سیاسی مردم‌سالاری دینی (اسلامی)*. *سیاست متعالیه*، سال ششم، شماره بیست و یکم: ص ۹۵-۱۱۴.

۱۳. فیرحی، داود (۱۳۸۸). قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام (دوره میانه). تهران: نشر نی.
۱۴. قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۴). بایسته‌های حقوق اساسی. تهران: نشر میزان.
۱۵. قوام، عبدالعلی (۱۳۷۹). چالش‌های توسعه سیاسی. تهران: نشر قومس.
۱۶. کامل السعید، مصطفی (۱۳۸۳). مشروعیت و امنیت در کشورهای عربی، چهره جدید امنیت در خاورمیانه. تدوین نور. لی، جی مارتین؛ ترجمه قدیر نصری. تهران: انتشارات مطالعات راهبری.
۱۷. گردشتی، حمیدرضا؛ حیدری، عباس (۱۳۹۵). نقش جمهور در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر دیدگاه امام خمینی و قانون اساسی. سیاست متعالیه، سال چهارم، شماره ۱۴: ص ۱۱۷-۱۳۴.
۱۸. لطفی، اسدالله (۱۳۸۹). حقوق اساسی و ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران. تهران: جاودانه، جنگل.
۱۹. مجیدی، محمدرضا (۱۳۸۹). آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. قم: دفتر نشر معارف.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). نظریه سیاسی اسلام. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۲.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۱). پرسش‌ها و پاسخ‌ها. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۱.
۲۲. ملکی، علی (۱۳۹۷). مبانی مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران: تعدد تفسیرها، چالش‌ها و راه‌کارها. سیاست متعالیه، سال ششم، شماره ۲۱: ص ۷۷-۹۴.
۲۳. میلانی، محسن (۱۳۸۱). شکل‌گیری انقلاب اسلامی. ترجمه مجتبی عطارزاده. تهران: انتشارات گام نو.
۲۴. نوروزی، نورمحمد (۱۳۷۹). چالش مشروعیت و بازسازی نظم سیاسی در خاورمیانه. تهران: اندیشه‌سازان نور.
۲۵. وکیل، امیرساعد؛ عسکری، پوریا (۱۳۹۱). قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی. تهران: انتشارات مجد.
۲۶. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۹). موانع حاکمیت قانون، معمای حاکمیت قانون. تدوین اسماعیل خلیلی؛ زیر نظر عباس عبدی. تهران: انتشارات طرح نو.
۲۷. هیوود، اندرو (۱۳۸۹). مقدمه نظریه سیاسی. ترجمه عبدالرحمن عالم. تهران: نشر قومس.

28. Akbarzadeh, Shahram & Saeed, Abdullah (2003). **Islam and Political Legitimacy**. Routledge.
29. Kurian, George (2011). **The Encyclopedia of Political Science**. Washington DC: CQ Press, Division of SAGE, Vol.3.
30. Rothchild, J. (1997). Observation on political legitimacy in contemporary Europe. *Political Science Quarterly*, Vol. 92, No. 3, P. 487-501.
31. **The Stanford Encyclopedia of Philosophy Political Legitimacy** (Fall 2017 Edition). Available at: <https://stanford.library.sydney.edu.au/archives/fall2017/entries/legitimacy/>

استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/sm.2020.110757.1414

کرامت، فرهاد؛ علی‌پور، حسین (۱۳۹۹). مؤلفه‌های مشروعیت سیاسی از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *سیاست متعالیه*، ۸(۲۸): ۲۴۴-۲۲۳